



بدر طالقانی، بمناسبت ۳۰ تیر

# مصلحت انقلاب یا بازی کسب قدرت؟!

● اکنون چند ماه پس از پیروزی انقلاب و از همان روزهای سخت خیل فرصت‌طلبان و منافقان بدرون جبهه مبارزان اصیل و دوستان ارادتمند راه یافتند.

در هفته‌ای که گذشت چند واقعه پیش از همه ذهن مردم را بخود مشغول داشت، که در رأس همه مسئله همبستگی امت با امام بود و دیگری همانند هفته‌های پیش ادامه و تشدید جنگ در کردستان و کیفیت حل آن و بالاخره نفوذ جاسوسان ساواک و امپریالیسم در دستگاه‌های دولتی. یکی از آثار شوم فرهنگی سلطه رژیم شاه، نهی کردن مفاهیم از معانی اصیل و بازی کردن با لغات بود. همه چیز بازیچه هدفهای سیاسی و فرصت‌طلبانه آنها بود با اطمینان به تسلط سیاسی و نظامی که داشتند و با در دست داشتن کلیه وسایل ارتباط جمعی: مواضع خود را دائماً تغییر می‌دادند: امروز حرفی خلاف سخنان دیروز می‌زدند و ادعاهای ماه قبل خود را تکذیب می‌کردند، استقلال، آزادی، قانون و منافع ملی و سیاست مستقل ملی و استعمار و امپریالیسم و تمدن بزرگ و ترقی و پیشرفت و دهها اصطلاح و شعار و اصل، دائماً بازی گرفته می‌شد. ارزشها پکلی مسخ و معیارها مخدوش بود، انقلاب و اصلاحات، زدی و فساد، خیانت و خدمت، خرابکاری، جاسوسی، شورش و هرج و مرج، مرز و معنای مشخصی

# بمناسبت سالگرد تبعید امام

روز یکشنبه ۱۳ آبان ۲۳ یاد روزی است که ملت قهرمان ایران شاهد تسعید مجاهد نستوه و خستگی‌ناپذیر خود، امام خمینی بود. رژیم دست‌نشانده و متغور پهلوی که با کودتای ننگین امریکائی ۲۸ مرداد مسجداً پسر گرسره این خلق مستضعف مسلط شده بود و توانسته بود در طی چند سال تمام ارکان و ارگانهای مملکتی را بسوی وابسته شدن به امپریالیسم امریکا هدایت کند. در سالهای ۴۲-۴۰ که ناراضیاتی عمومی و خشم و نفرت توده‌های مستضعف به‌اوج خود رسیده بود و از آنجائیکه تشکیلات سیاسی- مبارزاتی اصولی و درستی نیز در جامعه وجود نداشت که بتواند مردم را به کاتال صحیح مبارزه سوق دهد جریانات سیاسی موجود نیز عملاً کارایی و قدرت رهبری توده را بدلیل حاکمیت بیش‌های رفرمیستی و غیر مبارزاتی نداشتند. در چنین شرایطی که امپریالیسم فریبکار و جهان‌خواهر امریکا برای خالی کردن خشم توده‌ها و برای به‌انحراف کشاندن

بقیه در صفحه ۴

# ضد انقلاب زیر پوشش اسلام و انقلاب بیداد می‌کند..!

بازار بحث درباره انقلاب و ضدانقلاب از هر طرف داغ است. اقتدار اجتماعی و گروه‌های عناصر صادق ولی ناگاه و غافل که پایگاه اجتماعی و تکیه‌گاه داخلی امپریالیسم هستند تلاش میکنند با بزرگ کردن و فعال کردن تضادهای فرعی و طرح مسائل انحرافی و دردهای عویش، چهره ضدانقلاب واقعی را بیوشانند و از دید و دیده مردم دور نگاهدارند، ولی خوشبختانه مردم انقلابی و خلق قهرمان ما با کسب آگاهیهای مکتبی هر چه بیشتر و دقیقتر درمی‌یابند و متوجه می‌شوند که ضدانقلاب اصلی، ضدانقلابی است که زیر نقاب اسلام مشغول توطئه‌چینی و کارشکنی است و قصد دارد چرخ تاریخ را متوقف کند و دستاوردهای خون شهیدان را بیاد فنا دهد و با تعزیه خوانی بر سزار شهیدان، نظام سلب سرمایه‌داری را اسلامیزه کند.

خلق ما خوب دریافته که خطر اصلی، خطر طلحه و زبیرها و خوارج و معاویه‌ها و کعب الاحبارها و ابوهریرها و عبدالرحمن بن عوف‌هاست نه خطر بت‌پرستان هند و گبرهای ایران و زنادقه و دهریون

به‌عنوان نمونه:

۱- سید مصطفی درجه‌زاده داستان انقلاب اسلامی سابق تبریز که هم‌اکنون مسئول دانستاسی انقلاب اسلامی آبادان شده است. طی نامه‌ای که به‌روزنامه کیهان فرستاده، علت استعفاي خود و مسائل پشت پرده دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی تبریز را فاش کرد و از آنجمله می‌نویسد «ناظر بودم که چگونه فئودالها و زمین‌خواران رژیم طاغوتی با گرفتن تأمین و با یاری کینه‌های انقلاب، پاسداران شریف و از جان گذشته انقلاب را می‌کنند... بطور شگافی و کتبی توعیه می‌آید که فئالی را آزاد کنید آدم خوبی است چون جلو کمیونست‌ها می‌ایستد، گرچه فئودال و سه دوره نماینده

بقیه در صفحه ۸

# توطئه‌های شوم امپریالیسم آمریکا

هفته گذشته، از یکی از نقشه‌های شوم خطرناک امپریالیسم آمریکا پرده برداشته شد و شاهد آن بودیم که چگونه عوامل وابسته به امپریالیسم قصد خارج کردن دهها صندوق از اسناد مهم مملکت را داشتند.

پیشک آنچه که برای ما تعجب‌انگیز و حیرت‌آور است، نه عملکردهای شوم امپریالیسم آمریکا در این مرحله تاریخی از انقلاب ما و نه توطئه‌های عوامل ارتجاع و استعمار جهانی برای نابودی و به‌انحراف کشاندن انقلاب خونین ما- که اساساً توطئه‌ها و نقشه‌های شوم عوامل استعمار و امپریالیسم جهانی در این مرحله بخاطر از دست‌دافتن منافع عظیم خود امری طبیعی و قابل پیش‌بینی است - بلکه سکوت دولت موقت در برخورد با این توطئه‌های خطرناک است.

پیشک دستیابی مزدوران استعمار باین اسناد و مدارک مهم که شامل نقشه‌های سیاسی استانی تهران، نواهای مکالماتی مهم کشور، اسناد و مدارک ارتش و مخابرات، نواهای کامپیوتر نیروی هوایی و... بود، خطرات عظیمی را متوجه ملت ما میکرد که معلوم نیست چه گمانی از مسئولین دولتی جواب‌گویی عوالب بعدی آن بودند؟! چرا دولت موقت برای خنثی کردن توطئه‌های کثیف امپریالیسم آمریکا، سکت‌سار را در جریان این نقشه‌های شوم نمی‌گذارد؟! چرا دولت موقت اساسی این مزدوران را برای مردم قهرمان ما بازگو نمی‌کند و اصلاً اینها چه گمانی هستند که پراحتی می‌خواستند دهها صندوق از اسناد مهم را از مملکت خارج سازند؟! و دهها جراهای دیگر و همچنین کشف توطئه عمال ساواک و سازشکارهای استعماری در وزارت بازرگانی است که ما را بر آن مبارزه‌نیت به‌سر نوشت آینده انقلاب و آرمانهای توده‌های مستضعف احساس نگرانی نامیم.

# گزارشی از بندرانزلی

در پیاپی صید ماهی و مرغابی هیچ منبع درآمد دیگری ندارند و از هیچ‌گونه مزایای ابتدائی تأمین شغلی مانند حق بیمه، تأمین وسایل صید و دریافت حقوقی در فصل بیکاری و... نیز بهره‌ای ندارند. البته لازم بذکر است که عده افرادی که به‌صید آزاد ماهی اشتغال دارند در عمل بیش از این تعداد است. و عده‌ای نیز به کارهای دیگر نظیر پلاژداری و غیره مشغولند. ولی ۱۶۰۰ نفر مذکور فقط به‌صید ماهی که تنها حرقه آنهاست مشغولند.

در ناحیه هشتر تا استارا نیز در حدود ۲۰۰۰ صیاد آزاد دیگر وجود دارند - بنا بگفته صیادان بطور کلی در سرتاسر سواحل شمال از استارا تا غار برون (در نواحی بندر شاه سابق) بیش از ده‌هزار صیاد آزاد وجود دارند که صید ماهی تنها منبع درآمد آنها می‌باشد.

شرکت شیلات که یکی از بقایای انحصارات استعماری اواخر دوران قاجار می‌باشد از سال ۱۳۴۳ به‌بعد با تصویب رسیدن قانونی بنام «قانون منع صید انحصار صید، خرید و فروش، نگهداری و صادرات محصولات دریائی را بدست آورد. بموجب این قانون صیادان آزاد از صید محروم گشته و تنها صیادانی که عضو شرکت‌های تعاونی شیلات باشند، حق صید ماهی و بهره‌برداری از دریا را، در قبال فروش محصول به‌شیلات با قیمت‌هایی که توسط شیلات معین می‌شوند، خواهند داشت.

از آن زمان به‌بعد مبارزه صیادان آزاد با شیلات

بقیه در صفحه ۵

آنچه در زیر می‌آید، گزارشی است که پس از فاجعه درگیریهای دو روزه بندرانزلی، تهیه شده است. در تهیه این گزارش سعی کردیم از منابع مختلف خبری استفاده جوئیم و در این‌راه با نماینده عده‌ای دیگر از صیادان آزاد، شاهدان عینی واقعه که در جریان درگیریهای دو روزه (دوشنبه و سه‌شنبه... همراه) حاضر بوده‌اند، فرمانده و تعدادی از پاسداران مجروح و قایم انزلی تماس گرفته و بگفتگو نشستیم. این گزارش پس از دیدار از بندرانزلی درست پس از واقعه تهیه شده است و در آن سعی کرده‌ایم که نهایت امانتداری و صداقت در نوشتن را رعایت کنیم.

# بندر انزلی و موقعیت صیادان آزاد.

بندر انزلی یکی از مهمترین بنادر ماهیگیری در شمال کشور است. از آنجا که کشاورزی در انزلی از اهمیت چندانی برخوردار نیست و مراکز صنعتی عمدتاً نیز در آنجا وجود ندارند، تنها یک کارخانه چوب‌بری و کاغذسازی در اسالم و تعدادی کارگاههای کوچک چوب‌بری با حدود ۱۰ کارگر در هر کدام، ماهیگیری یکی از منابع عمده اشتغال و امرار معاش اهالی است. در حال حاضر بنا بگفته نماینده صیادان آزاد، تنها در بندر انزلی و حومه بیش از ۱۶۰۰ صیاد آزاد وجود دارند که جز

بقیه در صفحه ۶

# عید قربان

آمده‌ای، که «خسی شوی که بمیقات آمده‌ای». با نیت حج را در میقات آغاز و در کفن سید احرام به‌نماز ایستی و تجدید عهد کنی که ای خدای ابراهیم هیچ قیامی و هیچ قعودی را جز برای تو و جز بسوی تو نخواهم. و هر چه را که نشان از وابستگی به‌نظام زندگی دنیائی است ترک بکنی و حج را آغاز بکنی که لبیک، بسوی کعبه خانه خدا، خانه مردم و خانه عشق و کمال جاری شو که نه تنها، بل در میان جمع انبوه انسانهای یک رنگ و یک لباس، و تو گم در میان همه.

اکنون به کعبه رسیدی و طواف، گردش بگرد خانه ابراهیم در صف منظم گردش بگرد خانه‌ای که محور وجود است و کانون عالم، همراه سید و یکسوت و یکرنگ و بی‌تشخص از رکن حجر الاسود وارد منظومه بیوشی و از خود بدر آئی، تا نه کسی باشی که به‌میباد

بقیه در صفحه ۴

بجای ۱۵۰ تومان به ۲۰۰ تومان بفروشد و ۵۰ تومان عاید او شود، درست است که ارزش کار کارگر را تماماً برداشته (۱۰۰ تومان) اما پانزده پنجاه تومان اضافه از ارزش واقعی صندلی (مصاد اولیه + ارزش کار کارگر) از مشتری دریافت کرده است. در این صورت مشتری را استثمار نموده است. در نظام سرمایه‌داری این مسیلع را چنانکه گفتیم به‌حساب سود سرمایه مشروع می‌دانند - لکن در اسلام که بول به‌خود خود زاینده ارزش نیست - سود سرمایه مشروع نمی‌باشد. فقها، تصریح کرده‌اند که بر اساس موازین اسلامی - هیچکس مجاز نیست، سفارش کاری را بپذیرد و به‌دیگری واگذار کند و از دستمزد دریافتی قسمتی را به کارگر و قسمتی را خودش بردارد، مگر آنکه شخصاً کاری صورت داده باشد که در این صورت پولی که برمی‌دارد، حلال است و الا حرام. استثمار در تولیدات صنعتی بر پایه این اصل قرار دارد که اولاً به‌سرمایه سود تعلق می‌گیرد، ثانیاً محصول متعلق به‌صاحب سرمایه است و کارگر دستمزد دریافت می‌کند. سرمایه دارد، تولید سرمایه‌داری از چند راه درآمدهای نامشروع بدست می‌آورد:

- ۱- بهره‌ای که به‌عنوان بهره سرمایه اولیه برمی‌دارد - سود سرمایه
- ۲- مابه‌التفاوت دستمزدی که به‌کارگران می‌پردازد و ارزش واقعی کار کارگر
- ۳- مابه‌التفاوت قیمت واقعی محصول و قیمتی که از مصرف کننده دریافت می‌کند. بدیهی است که سرمایه‌دار استهلاک ماشین‌آلات و قیمت مواد اولیه و سایر هزینه‌ها را جداگانه حساب می‌کند و البته خود در این میان مطلقاً در کار تولید شرکت نمی‌کند.

بقیه در صفحه ۲

# کسب و تجارت صحیح کدام است؟ مباحث ایدئولوژیک ۱۷

● محصول در اقتصاد اسلامی کلاً متعلق به‌تولیدکننده یا تولیدکنندگان است، پس بجای سرمایه‌دار، تولیدکنندگان مالک محصول شناخته میشوند.

استثمار و سود سرمایه:

ممکن است قضیه به‌اینصورت طرح شود که آن بخش از ارزش کار کارگران که توسط کارفرما تصاحب میشود، بابت سودی است که به‌سرمایه اولیه او تعلق می‌گیرد - مثلاً پارچه - نخ - سوزن - جرخ خیاطی را او تهیه کرده است، آیا نباید بابت این سرمایه نفی عاید وی کرده‌؟ اسلام می‌گوید نه به‌سرمایه (مواد اولیه - ابزار کار) سودی عاید نمی‌شود. سرمایه فقط ارزش واقعی خود را می‌برد، قیمت اصلی مواد اولیه نه چیزی اضافه بر آن، و ابزار کار هم ارزش استهلاکی آن بصورت کرایه و نه بیشتر. سود چنانکه از استسبید است - ارزش اضافه بر ارزش واقعی کالا است و وقتی شما صندلی می‌سازید و قیمتی معادل ارزش مواد اولیه + ارزش کار انجام داده - در یافت می‌کنید سود نبرده‌اید. مثلاً اگر پنجاه تومان بابت چوب و میخ و ... برداشت کرده‌اید و یکصد تومان هم بابت ارزش کار خود بر آن افزوده بپایند میشود ۱۵۰ تومان - اگر به‌همین قیمت بفروشید سودی نبرده‌اید - تنها یکصد تومان بابت ارزش کار خود بدست آورده‌اید - اما اگر آنرا به ۲۰۰ تومان بفروشید پنجاه تومان سود عاید شما شده است که اسلام آنرا تسجیوز نمی‌کند. به‌همین جهت وقتی یک نفر دیگر مواد اولیه را در اختیار کارگری می‌گذارد و او صندلی را درست می‌کند و شخص اول در کار ساختن صندلی شرکت نمی‌کند. اگر بعد از فروش صندلی و کسر ۵۰ تومان بابت قیمت مواد اولیه، یکصدتومان را به کارگر خود پرداخت کند، اما اگر ۸۰ تومان به کارگر داد و بیست تومان خودش برداشت کرد، پانزده بیست تومان ارزش کار کارگر را برده است، یعنی وی را استثمار کرده و اگر صندلی را

# تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد



# خلق اریتره پیروز است

● متخصصین اسرائیل، فعالیت خود را بسویژه در رعب و وحشت و جنایات سیاسی و اشکال مختلف دیگر ترور بر ضد مردم اریتره متمرکز می کنند

برای اولین بار در ۱۸ سال پیش در بیس محمد آوات و ۱۳ نفر از همراهان و هم - فکراتش با حمله به استحکامات انبوسی در صحرای باختری وارد مرحله عظمی مبارزات خود شدند و در سپتامبر ۱۹۶۱ حمله آرادسخت اریتره (مرحله جدید مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه را آغاز می کند.

بعد از شکست فاسیم و پایان دوره ۶۰ ساله استعمار ایتالیا، مردم اریتره امیدوار بودند که بعد از سالهای سیاه اشغال برریششان توسط بیگانگان، حق خود بخاری را بدست آورند. ولی دستگاه نظامی انگلستان که خابگیر استعمار ایتالیا شده بود، توسط دیگری را طرح می کند. بریتانیا با همدستی انبوسی و ربر بنر آمورس و دستورالعمل آمریکا، دو راه را در پیش خود می بیند. با تقسیم اریتره به بخش های مختلف (برای از بین بردن وحدت و یکپارچگی سرزمین اریتره تا بتوان از مبارزات آزادی بخش آن جلوگیری نموده و بر آنها حکومت نمود). با ضمیمه کردن کامل آن به انبوسی. ولی علیرغم نقشه های موزانه استعمار انگلستان، مردم اریتره با شدت و فاطمیت بر علیه مابورهای نیوکلیالیسم، آغاز به شکل و سازماندهی خود برای مبارزه می کنند.

احزاب ناسیونالیست سابق اراده مردم برای دست یافتن به استقلال کامل و حاکمیت ملی می باشد. سال ۱۹۴۸ آغاز تورشهای اریتره و بدینال آن عکس العمل سرکوب گرانانه استعمار را بدینال داشت. رژیم هیلاسلاسی که توسط قدرتهای حمایت گر آن، آمریکا و انگلستان پشتیبانی می شد، اقدام به کشتارهای سیاسی و انواع دیگر ترورس، سرزای از بسای در آوردن ناسیونالیست های اریتره می کند.

بعد از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم و پیروزی منعمس و صعیف شدن امپریالیسم انگلستان، امپریالیسم تازه نفس آمریکا وارد صحنه شده و برای تسلط بر جهان با تمام قدرت وارد عمل می شود. از حمله هجوم امپریالیسم آمریکا، دخالت او در اریتره را می توان نام برد. آمریکا سعی می کند با انجام یک سری مابور، صدای استقلال طلبانه خلق اریتره را در نطفه خاموش کند. سرانجام در سال ۱۹۵۲ آمریکا موفق به تشکیل فدراسیون اریتره تحت نظارت سازمان ملل در انبوسی میشود. اما انبوسی نه تنها حق خود مختاری اریتره را بطور عظمی پایمال می کند، بلکه بر علیه چند امتیازی که بنا بر قرارداد ۱۹۵۲ سازمان ملل به مردم داده شده بود دسیسه چینی میکند، هیلاسلاسی اقدام به سرکوب مبارزان می کند و تصمیم به بطوریکه علیرغم اعتراضات و استمداد مردم اریتره از سازمان ملل و سایر ملتتها مواج با سکوت آنها می شود. و جنایات وحشیانه انبوسی بر علیه مردم محروم و بی دفاع اریتره و الغاء تدریجی قراردادهای امضاء شده فدراسیون بی جواب گذاشته



دولت آمریکا را پس از پس گران کرده، او را وادار می کند تا با صرف میلیون ها دلار هزینه و تحویل ماشین جنگی بدون مدرن به ارتش مردود انبوسی به اصلاح او را غوغ و حمایت کند. دشمن همی تنووها را برای صونیف کردن انقلاب نگار می برد. از منبع برای برآکندن و حربه کردن مردم و نه اسروا کشادن تا انجام سیاست ترور و وجود آوردن واحدهای کمادوتی جنگهای اریتره که توسط اسرائیلی ها برای جنگهای بارز سیاسی علم داده بودند. که اساساً "واسته و منکی به تنبانی مادی و منوی تنووها می باشد، کمر امکان اجرا ترور را بر علیه خلق اریتره که دشمن از رخ ریزی می کرد تا حشش را از هم بیاند. به دشمن می داد، حبه آرادسخت اریتره سازمانست یوبا، که طی سالهای دراز مبارزه، از یک اسحام و استحکام خاصی برخوردار گردیده، این سازمان با تنوی به مبارزه با تنوهای دمکراتیک و ملی و متدیک در بین صفوف جنگجویان موفق

● **ملی کردن صنایع نوع دیگری از فریب و نیرنگ حکومت دست نشانده انبوسی می باشد، زیرا که منافع امپریالیسم غارتگر آمریکا همچنان دست نخورده باقی مانده است**  
● **در طول مدت کنگره نمایندگان، از زنان، کارگران، دهقانان، دانشجویان و جوانان همانند نمایندگان ارتش رهائی بخش بسا اصولی دمکراتیک انتخاب میشوند**

به سسخ وسیع نیروهای مردمی گردید. در سال ۱۹۶۴ اریتره را به پنج منطقه عظمی تقسیم کرده، سازمان را به شکل واحدهای کوچکی که مستقلاً عمل میکردند یا نیروهای مهمتر و متمرکزتر، سازماندهی می کند. این تغییر و تحول در نوع سازماندهی ناعت روزیک سلسله کشمکش و برخورد هائی در کل حشش می شود. ولی سران حشش موفق می شوند، فوراً این شکل را به نفع

دهقانان، کارگران، دانشجویان و جوانان همانند نمایندگان ارتش رهائی بخش بسا اصولی دمکراتیک انتخاب میشوند. تشکیل اولین کنگره ملی حبه آزادی بخش بدون تردید موفقیت بزرگی شمار می رفت. در این کنگره اولین برنامه سیاسی تهیه و یک ترکب جدید سازمانی با رهبری دمکراتیک انتخاب گردیده و مسئولست اجرایی آنرا بعهده گرفت. هم چنین در جریان این کنگره بود که مصمم گرفته شد

با سازمانهای دمکراتیک بوده ای از قبل اتحادیه های دهقانان، کارگران، دانشجویان و زنان اریتره در سال ۱۹۶۹ با پس گردد. تا جایی که این اتحادیه ها بعد از تشکیل نقش سمار فعال و صهی را در پیشبرد انقلاب ایفا کردند. درست بعد از کنگره بود که انقلاب می باشد در مورد مسئله وحدت ملی اعدائی فوری به عمل آورد. مابور اجرا بسی قطنامه کنگره می شود، قطنامه هائی که از یک قدرت و قابلیت بی برخوردار بودند.

اوضاع بعد از سقوط هیلاسلاسی به موازات سسخ و شکل سیاسی تنووها، حبه آزادی بخش هم حسان بدوقه مبارزات خود را بر علیه رژیم فتودالی و فاشست آدیس آبا با ادامه می دهد. این شکل و سازماندهی محر به حشش صد فتودالی، راهنما و آغازگر انقلاب ۱۹۷۴ گردید. ارتش انبوسی در سپتامبر ۱۹۷۴ با حمایت خود از حشش مردم اریتره، رژیم هیلا - سلاسی را سرنگون می کند. در همین رابطه قبل از هر چیز حمایت کامل خود را از سرگویی دیکتاتور بیبر اعلام می کند، بسا امید که بعد از سقوط رژیم گذشته، بقیه در صفحه ۷

## تشکیل شوراهای با محتوا یا بدون محتوا!؟

نقش رابط جزء آگاه شدن از تصمیمات و نظرات مدیریت و آگاه ساختن مدیریت از خواسته های قانونی کارکنان و برقراری صمیمیت و همکاری بین کارکنان و مدیریت بدون دخالت در امور تصمیم گیری از وظایف شورای هماهنگی درج شده است که بند (د) این قانون عدم دخالت در امور تصمیم گیری را صریحاً اعلام مینماید. یعنی حذف بی چون و چرای آیه (امرهم شوری بینهم) و مطلب جالب توجه دیگر در بند (ب) لفظ خواسته های قانونی است. که گویا تهیه کنندگان این قانون آن را صرفاً جهت محدود کردن قدرت و وظایف شوراهای متدرج نموده اند، تا بدینوسیله شوراهای را فقط در جهت رفع مسائل صنفی و رفاهی کارکنان قرار دهند، نه مسائل سیاسی و اجتماعی... چرا که اعلام برقراری اعتصاب یا اخراج مفسدین و ساواکیها و امثالهم تنها یک خواسته صنفی نیستند، بلکه یک خواسته سیاسی و اجتماعی، احیاناً مکتبی و... میباشند، که نمیتوانند بدون نداشتن ارتباط بسا شوراهای دیگر ادارات یا سازمانهای سیاسی - مذهبی اتخاذ شوند (که نفوذ شوراهای را در خارج از حد اداری نشان میدهد). اینجاست که باید گفت مسئولین امور در این مورد خواسته سندیکارها را تحت نام شوراهای اسلامی بخورد مردم بدهند. پس ای مسلمانان روشنفکر و متعهد و مسئول بیاخیزید، و نگذارید که مکتب و بانیان آن توسط اینگونه (قوانین غیر انسانی و اسلامی) ولی تحت نام قوانین اسلامی ترور فرهنگی و شخصیتی شوند. بسش در جهت ادامه دادن راه حضرت محمد (ص) - علی (ع) آیه الله طالقانی و دکتر علی شریعتی و... (بدالله فوق یدبهم) و بیروزی انقلاب بهره ربری امام خمینی را تداوم بخشیم.

# پیش بسوی تشکیل شوراهای با محتوای اصیل اسلامی

بقیه از صفحه ۱

### عید قربان

جهان شوی و در گرداب خلق مسو گسردی. همچو قطره ای و در مدار آفتی. در مدار خدا و در مسیر خلق. و هفت بار بچرخشی که هفت یادآور خلقت جهان است. اکنون در مقام ابراهیم. آن قهرمان توحید و بت شکن عظیم تاریخ آن پیرامت به نماز ایستاده ای بعد «سمی» میکنی بیاد هاجر از صفا به مرو. هفت بار. هم اندازه طواف.

و بدینگونه حج کوچکتر بیابان می رسد. از احرام بدر می آیی برای تدارک حج بزرگتر احرام می پوشی و از مکه بسوی شرق بحرفات بیاد آغاز آفرینش آدم. شمر. یادآور سیخ جهاد ابراهیم. پیامبر و ... اینجا سخن از جمع آوری حجره است صحبت از یک انضباط نظامی است و منی آخرین منزل یعنی آخرین مرحله از شناخت و شعور سرازیر شدن سپاه توحید. سپاه مسلح و مصمم بعد از منی به صحنه جنگ. حرکت بسوی سه پایگاه. در یک خط و در یک مسیر. سه بت با روی های سفید و بعد سنگ باران از جبهه آخری که بر میگردد دیگر کاری نداری. جز قربانی و اعلام فتح و جشن پیروزی قربانی میکنی تا از آنچه ستر در راه ایمانت به ضعف می کشاند و در مسئولیت به تردید. تا آنچه را که دل بستگی اش نمیگذارد پیام را پشتی و حقیقت را اعتراف کنی و آنچه که ستر به توجیه و تاویل های مصلحت جوایب می کشاند و عشق بدانها کور و کورت میکند تا از چه دل بستگی های زمینی از همه موانعی که ترا از رفتن بسوی او باز می دارد و به موسسه ماندندت می اندازد و به سکون و ماندن دعوت میکند برمی. با قربانی کردن. تا بیاد بسیاری عظمت و اوج عروج ابراهیم را. میثاق بندگی با پدراست اسلامی و پیر انبیای توحیدی. با پیر مسردی که رنج سالیان دراز پر کشاکش و پر تلاطم و جنگ و آوارگی و مبارزه را بر دوش داشت و سالیان دراز رنج و دردی مردمی که بعد از عمری انتظار و درد کشید سپاهش فرزندی برایش آورده. اسماعیل را که شمره یک زندگی پسر ماجرا اسماعیلی که برایش تنها یک فرزند و یک پسر نبود. امید و انتظار و وصلت بیاد بیاری او را. پیر بزرگ امت راه لحظه ای را که او در مقابل انتخاب بزرگ زندگیش در بزرگترین جهاد عمرش - جهاد اکبرش قرار گرفته. و جنگ در درونش که کدامین را باید انتخاب کند این بت شکن عظیم تاریخ

بقیه از صفحه ۱

### بمناسبت سالگرد

توده های بجزش و خروش آمده. در صند برآمد با طرح و اجرای اصول ششگانه «انقلاب» شاهانه به چنین مهمی دست یازد بطوریکه حتی بسیاری از عناصر و جریانات به اصطلاح فرقی و مبارزه را خوشحال از این «مراحم» شاهانه در عمل در جهت تائید و تکریم اصول «انقلاب» شاه برآمدند. اما روحانیت مبارز و در رأس اشام خمینی که رنج سالیانه دراز مبارزه و تجربه را بدوش میکشید و از پایگاه مسجد و حوزه بخروش در آمد و دست بهدافتی ماهیت فوم و استعماری چنین طرحی زد. ارزش افشاکری و شهادت سیاسی و مبارزاتی امام وقتی بیشتر مشهود و روشن میشود که جریانات سیاسی و جو سیاسی در آن مقطع بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. می بینیم امام در شرایطی دست به این مهم می زند که تمام جریانات روشنفکری و سیاسی و مبارزاتی کنج عزلت گزیده اند و یاد خدمت رژیم در آمده اند و با بقدری از نظر پیشین سیاسی و دید مبارزاتی پرت و عقب مانده اند که عملاً فرستگها از توده ها و خواست های بسحق و مبارزاتی آنان دورند. در چنین وضع و احوالی خمینی در رأس یک جریان سیاسی اصولی و مترقی دست به چنین افشاکری شجاعانه و بجائی می زند. توده های در بند و محروم که همیشه بدنبال جریانات اصولی کشیده میشدند این بار نیز با پاسخ مثبت به ندای امام برای مخالفت و طرد اصول «انقلابی» شاه بخوابانها ریختند. رژیم مستبد و دیکتاتور شاه که تحمل چنین حرکت و جنبشی را از جانب توده ها

بقیه از صفحه ۵

### گزارشی از

جالب اینجاست که با مشاهده این اوضاع، پیش از ۱۰۰ نفر از پرسنل شهربانی محل را ترک می کنند و پاسداران و رئیس شهربانی را تنها می گذارند - آخرین نفرات سپاه نیز پس از گسترش آتش و تیراندازی از بیرون بطرف مقر سپاه، پس از اینکه سوزن بعضی از اسلحه ها را خارج کردند، بطرف نیروی دریایی حرکت کردند - در این زمان از سوی بلوار و خیابان سپه بطرف پاسداران تیراندازی می شود و چندتن از آنان در روی بل زخمی می گردند که این درگیری به شهادت یکی از پاسداران بنام علی رودگار می انجامد. بنا بر گفته پاسداران تک تیراندازی که از ساختمانهای مهندسی ارتش و از زیر پل حوالی ساختمانهای مهندسی ارتش می کردند بسیار ماهر بوده و بعضی از آنها احتمالاً به تفنگهای دوربین دار مجهز بوده اند! درگیری حوالی شهربانی تا هنگام تاریک شدن هوا و بارش باران سیل آسانی که مردم را پراکنده می کند ادامه می یابد و پس از پراکنده شدن مردم و بقیه در صفحه ۶

### در اربعین پدر طالقانی

از مرگ جانگداز تو ای بوذر زمان،  
یک اربعین گذشت  
آوخ، چه اربعین بزرگی که هر دوش  
تلخ و غمین گذشت  
فقدان ناگهائیت ای مهربان پدر  
چون کوه رنجهای تو بر سینه های ما  
سنگین و سخت بود  
اما هنوز باورمان ناید ای پدر  
همچون کبوتری  
از بام کودکان  
بگشوده ای پر و پرواز کرده ای  
ای مهربان پدر،  
بر پر گشودن تو ننایم نام مرگ  
این بر گشودن تو یکی رشت - درس بود  
کز بهر کودکان خود آغاز کرده ای

\*\*\*

برخیز ای حماسه جاوید روزگار  
چاروق و کوله بار ییشت عصا بدست.  
چون کوه عزم خود  
بر سنگلاخ در هم تاریخ این دیار.  
مردانه رهسپار  
ای پیر راه ما  
از خاطرات پاک تو تاریخ قرن ما  
فصلی نوین گرفت،  
آن خاطرات پاک  
پر افتخار باد.  
از مسجد هدایت  
تا تنگنای در هم هر سلول  
از تنگنای در هم هر سلول  
تا بحر بی کرانه و پرشور انقلاب  
از رهروی موج خروشان خشم خلق  
در روز برحماسه تاسوعا  
تا عصر پر تجلی عاشورا  
از شور جنبش خلق

\*\*\*

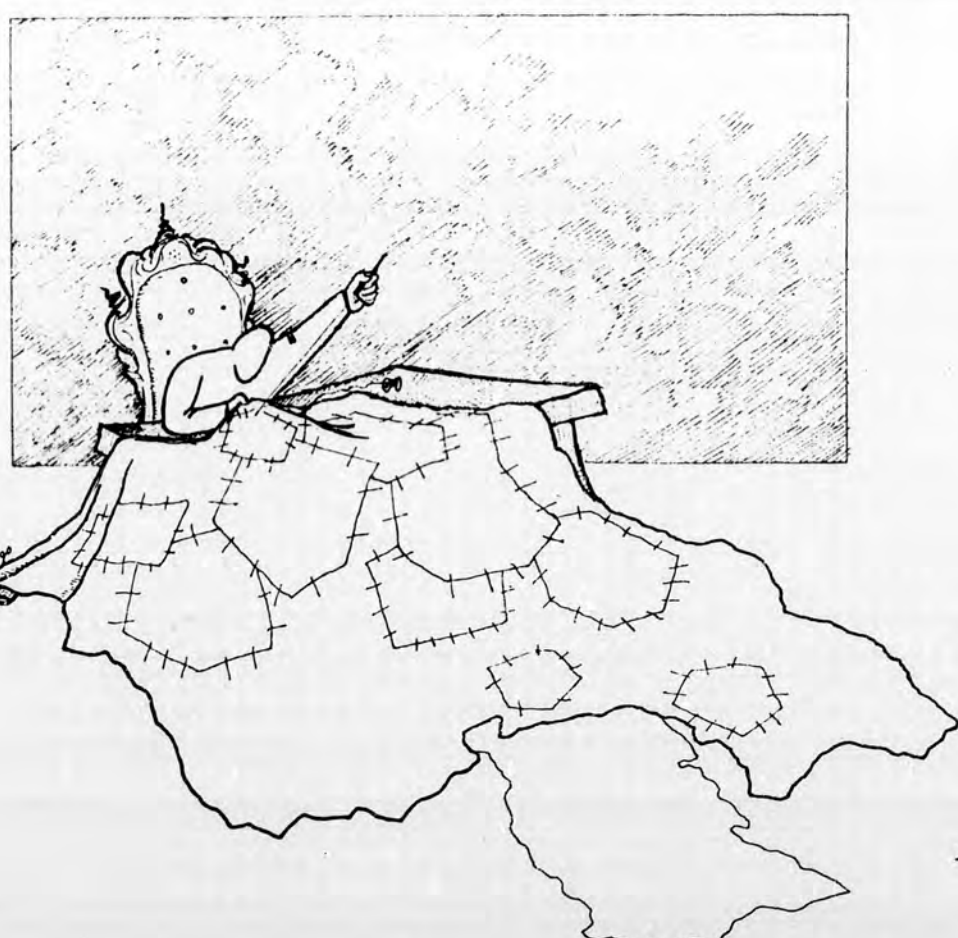
در نادی ذوق الباطل  
تا برتبه بن تعق جاه الحق  
از اوج خشم خلق  
تا فتح انقلاب  
از فتح انقلاب  
تا بعد از انقلاب  
تا غرش مدام تو بر ضد ارتجاع  
تا رهسپردت بدیار کرد  
تا جمعه های سرخ مصلی  
عصیان یک نمازگزار تنگ بدست  
گسترده بر تلاطم بحر خلق  
سجاده نماز - غرنده همچو تیر  
از بانگ بر صلابت شوراها  
بر تربت بلند شهیدان انقلاب  
تا اوج گیریت،  
از خاکیان بسوی خدا  
این خاطرات پاک  
این خاطرات عشق و حماسه  
ستیز و مهر  
بر لوح سینه های همه کودکان تو  
نبت است و ضبط ای پدر مهربان ما  
\*\*\*  
برخیز ای مجاهد نستوه عصر ما  
نسب پایدار مانده و این راه ناتمام  
برخیز ای پدر،  
فانوس راه خلق خدا را بدست گیر  
گویا سحر هنوز  
از ییشت کوهها  
ره را نیافته.  
برخیز ای پدر،  
با هم بجستجوی سحر بسپریم راه  
۱۳۵۸/۷/۱۹  
محمدحسن آزاده - عضو انجمن ادبی سروش  
همایون شهر

### عزا، عزای امروز

به جستجوی  
در آستانه معبد  
در حریم محراب، در قامت سجود  
به جستجوی  
به میان کلمات خونین  
که با رنگ خون ز خشم تفسیر شده است  
به جستجوی تو از قصص تا تم فاندز  
ورق میزنم  
از اوین تا فیضیه که خرونییدی  
به جستجوی تو  
به سینه زخمی دستفروشها، دوره گرد  
شاگردان کلاسهای دیوار ریخته  
نشسته شکسته  
سینه زخمی

کودکان محرومان زمینهای خاکی جنوب  
به جستجوی تو  
میان انبوه اندوه زنان ایستاده سر شیر آب  
از جوادیه تا خزانه  
تا دولت آباد،  
نقی میزنم  
به جستجوی تو در کوچکترین روستای محروم میهن  
تاول دست زارعی را می شکافم  
می روم، می روم تا به قلب نرفنیان زمین  
که در آنجا صدای: عزا عزاست امروز  
حامی مستضعفان، بیش خداست امروز  
به جستجوی تو از ربه تا ملک مصر  
ای یار خوب خدا  
تا مفهوم عمیق فزت پرب الکبه می روم  
که نامت مفهوم خاصی شده است  
مثل آب مثل نان مثل درد عمومی شده است  
که عزا، عزاست امروز  
در همه جا عزاست امروز  
و تو همچنان ایستاده  
در درگاه خدا  
با درد خلق ایستاده برغرور  
که حامی مستضعفان بیش خدا، در دل ماست امروز

مجتبی ابراهیمی  
سنقر  
۱۳۵۸/۶/۳۰



### پیام طالقانی، شهادت است و شورا

بقیه در صفحه ۸

# گزارشی از بندر انزلی

و بخاطر تأمین معاش از دریا، این منبع خدادادی و عمومی ثروت، وارد مرحله نوینی گشت. البته این مبارزه در سالهای قبل از تصویب قانون منع صید نیز جریان داشت و در این زمینه اعلامیه‌های مربوط به دوران نخست‌وزیری قوام السلطنه موجود است که فرآزهایی از آن را در زیر می‌آوریم: «هوظنان عزیز، اهالی هر شهر بنا بر اساس تقاضای محیط وسیله معاش و ارتزاق خود را فراهم می‌کنند. ما صیادان آزاد نیز از سالها پیش با صید ماهی زندگی خود را ادامه می‌دهیم. پدران ما اجداد ما از همین راه اعانه می‌کردند. صید ماهی از حقوق مسلم ماست ولی در اثر تشکیل اداره نیلات دامنه اختیارات ما بسرور تنگتر شد. هر جا که پیمان دادخواهی و بدست آوردن حقوق خود مراجعه می‌کردیم دست رد بینه ما زده می‌گفتند فعلاً موقعیت دنیا اجازه نمی‌دهد که تقاضای شما ترتیب اثر بدهیم... در نتیجه بیگاری و آوارگی، بیشتر ما از هستی ساقط شدیم... ما فرزندان این آب و خاک باید از همین راه نان خود را بدست آوریم. این خاک، این آب، این زمین مال ما است... ما جایگاه خود را به هیچ‌وجه از دست نمی‌دهیم. ما صیدگاه خود را می‌خواهیم ما با اتحاد و اتفاقی که داریم تا آخرین نفس برای بدست آوردن حقوق خود مردانه ایستادگی خواهیم کرد پیشک به مقصود خود که سیر کردن اطفال گرسنه ما است موفق خواهیم شد...»

مبارزات صیادان آزاد تا قبل از فاجعه اخیر، صرفاً جنبه اقتصادی داشته و به سطح مبارزات سیاسی ارتقا نیافته بود. در اعلامیه مذکور نیز در همین رابطه از «توجهات بسندگان اعلیحضرت همایونی...» و «حسن تدبیر نخست‌وزیر...» سخن رفته است. این مبارزات در سالهای حاکمیت رژیم شاه بخصوص از سال ۴۳ به بعد در شکل دیگری با ژاندارمها و گاردهای نیلات همواره ادامه یافت و به مجرد شدن صیادان، و در مواردی غرق شدن آنان در دریا می‌انجامید. خانواده‌های متعددی در انزلی نان آوران خود را در همین رابطه از دست داده‌اند و تعدادی از محرومین بوسیله گلوله ژاندارمها و گاردهای نیلات هنوز زنده‌اند.

اولین حرکت اعتراضی صیادان پس از تصویب قانون منع صید، تحصن بود که در تلگرافخانه بندر انزلی صورت گرفت. این تحصن بنا بر وعده‌های مسئولین نیلات شکسته شد و بعداً قرار شد که شرکتی تعاونی نیلات تشکیل گردند - این شرکتی تعاونی عمدتاً فعالین نهضت صیادان را جذب کرده و بقیه را کنار گذارند. و مبارزات صیادان آزاد که از آن پس «قاجاچی» نام گرفته بودند، تا حال بر علیه شرکت نیلات و قوانین طاغوتی ادامه یافت. صیادان عضو شرکت تعاونی نیلات، مجبورند آنچه را که صید می‌کنند به نیلات تحویل داده و در مقابل آن قیمتی را که نیلات تعیین می‌کند دریافت دارند - البته نیلات و مسائل صید را برای این صیادان تهیه می‌کند و محصول آنان را انحصاراً خریداری می‌کند. بدین ترتیب صیادان غیر آزاد (اعضای شرکتی تعاونی) نیز مانند سایر محتکشان که از مالکیت ابزار تولید خود محرومند مورد استثمار این انحصار استعماری قرار می‌گیرند. سرنوشته آنان نیز چندان تفاوتی با صیادان آزاد نداشته و این تقسیم‌بندی و مرزبندی را صرفاً یک انحصار استعماری که متأسفانه پس از انقلاب نیز مورد تصفیه قرار نگرفته، به‌آسان تحصیل کرده است.

پس از سرنگونی رژیم شاه در بهمن ماه ۵۸ و استقرار دولت موقت جمهوری اسلامی، صیادان بندر انزلی نیز که از زحمتکشان ایران هستند، از مسافعات مسئول خواستار رسیدگی به موضوع فلاکت‌بار زندگی خود و وضع قوانین مردمی در رابطه با صید ماهی شدند.

در این رابطه، صیادان آزاد بندر انزلی طی نامه‌ای به تاریخ ۵۸/۱/۲۵ به فرماندار انزلی با اشاره به وضع صیادان، خواستار رسیدگی مسئولین امور به مسئله صیادان آزاد می‌شوند. قسمت‌هایی از این نامه را در زیر می‌آوریم:

«بسم الله الرحمن الرحیم. ریاست محترم فرمانداری بندر انزلی.

احتراماً کلیه صیادان چهار فریضه بندر انزلی از آستارا تا ترکمان صحرا به اطلاع می‌رساند همانطوریکه آن جناب اطلاع کامل از وضع زندگی

روز ۲۵ مهرماه حق صید نداشته باشد. در این ملاقات صیادان و فرماندار انزلی مشکلات خود را با وزیر کشاورزی در میان می‌گذارند و خواستار رسیدگی به مسئله از جانب ایشان می‌شوند - اما وزیر کشاورزی در جواب اظهارات فرماندار می‌گوید «شما خیلی احساساتی هستید. قوانین تصویب شده باید اجرا شود. شما جزء حکومت هستید. اگر حکومت را قبول ندارید، استعفا دهید.»

این مذاکرات هم در اثر بی‌توجهی مسئولین و وزیر کشاورزی که مطمئناً از متضعین نیست و در این مدت ۸ ماه پس از انقلاب نیز بخوبی نشان داده است که در راه آنان گامی بر نمی‌دارد، به نتیجه نمی‌رسد. و به‌آنان گفته می‌شود که همان قانون سال ۴۳ به قوت خود باقی است. طبق گفته نماینده صیادان آزاد همان قانون را برای آنان خواندند و گفتند که با صیادان طبق این قانون رفتار خواهد شد.

روز دوشنبه ۲۳ مهرماه جلسه دیگری با شرکت هنوز لارویی بتصویب نرسیده از اهالی بندر انزلی و میان پسته و قلم گسره و گاز پسان و صیادان زحمت کش خواسته شود تا موقعیکه وضع صیادی معلوم نشده چگونه و به چه طریقی زندگی را سبزی نمایند و از آنها پرسش نمائید که در زندگی چه چیز تاکنون اندوخته‌اید در جواب خواهید شنید: یک قایق و چهار پارو و بیست رشته تور ماهی‌گیری و پنجاه تا سی هزار تومان قرض... در پایان جهت اطلاع آن مقام محترم بسادآور می‌شویم که به امید جواب قاطع روزشماری نموده و خواستار لطف شما هستیم که شامل حال ما محرومین اجتماع گردد...»

بدینال این درخواستها، فرمانداری انزلی، در اواخر بهار با دعوت صیادان به گفتگو و پرداختن به مسائل آنان، اولین گام مردمی را در جهت حل مشکل صیادان برمی‌دارد. در این مذاکرات مسائلی از قبیل لایروبی مناطق ماهیگیری، جلوگیری از صید بی‌رویه و زمان‌بندی صید مطرح می‌گردد که مورد استقبال صیادان واقع می‌شود. اما شرکت نیلات که هنوز همان روابط اخلال‌بعل آورده را حفظ کرده است، در این گفتگو اخلال بعمل آورده و متخصماً ماهیگیران شرکت تعاونی را وادار به راهپیمایی و تحصن در استانداری گیلان می‌کند و صیادان آزاد را قاجاچی و دزد معرفی کرده و آنان را تنها عامل نابودی نسل ماهی جلوه می‌دهد.

در اوائل مهر ۵۸ فرمانداری بندر انزلی بیکار دیگر طی نامه‌ای از نمایندگان صیادان آزاد دعوت می‌کند که در سمینار بررسی مسائل ماهیگیران که از تاریخ ۵۸/۷/۹ شروع می‌شد، حاضر شوند و به بحث بپردازند -

این سمینار با شرکت فرمانداران شهرهای ساحلی، استانداران گیلان و مازندران، مدیر نیلات، رؤسای نیلات گیلان و مازندران، نمایندگان صیادان آزاد و تعاونی شرکت نیلات در مسجد قائمیه انزلی تشکیل می‌گردد. فرماندار انزلی، آقای حسینجانی به عنوان دستور جلسه می‌گوید «اول باید به ماهیگیر فکر کرد بعد به ماهی. اگر انسان نباشد، ماهی را می‌خواهیم چه کنیم...» در این سمینار از جانب فرماندار سه پیشنهاد زیر مطرح می‌گردد.

الف - نیلات دریا و ماهی را با استفاده ماهیگیران واقعی و ایجاد امکانات رفاهی برای آنان، خود در دست گیرد. درست مثل شرکت نفت عمل کند.

ب - تمامی صیادها زیر پوشش واحدی قرار گیرند (آزاد و تعاونی) و در این کار نیلات دخالت نداشته باشد و فقط نظارت کند.

ج - تعاونی‌های موجود در نیلات باشند و برای صیادان آزاد پروانه صادر کنیم، تا آنها هم مثل تاکسی‌داران با امتیاز و کارت مخصوص بکار ادامه دهند. به این ترتیب به خودی خود، ماهیگیران خود حفاظت از دریا و ماهی را به عهده خواهند گرفت به این ترتیب کار مردم به‌خودشان واگذار می‌شود و خودشان در پرورش ماهی نیز شرکت خواهند جست... ما خواستار مردمی شدن مسئله بودیم که متأسفانه هیچکدام از پیشنهادات به توافق نرسید...»

پس از این سمینار، مذاکرات بی‌نتیجه‌ای با مدیران نیلات نیز انجام می‌پذیرد که کمکی به حل شدن قضیه به نفع انقلاب و محرومین نمی‌کند. در ادامه همین جریان ملاقاتی در تاریخ ۲۲ مهرماه با وزیر کشاورزی صورت می‌گیرد که صیادان تعاونی با توطئه مدیرعامل نیلات در این ملاقات شرکت نکردند. اما طبق توافقی که بین فرمانداری و نیلات بعمل می‌آید قرار می‌شود که هیچکس تا

خونریزی می‌کند. بهرحال از این پس حملات با سنگ و کوسکل مولوتف به‌اوج می‌رسد و تیراندازی هوایی پاسداران نیز افزون می‌گردد و سپس چند اتومبیل جلوی نیلات به‌آتش کشیده می‌شوند و به‌داخل محوطه هل داده می‌شوند. در این زمان پاسداران با شهربانی تماس می‌گیرند و تقاضای کمک می‌کنند که پس از مدتی رئیس ژاندارمری به‌محل آمده و غذای از زخمی‌ها را به بیمارستان انتقال می‌دهد، البته نیشه‌های ایسن اتومبیل بوسیله افرادی که قبلاً عضو کمیته بوده‌اند، شکسته می‌شود و بوسیله همین افراد از عبور آن جلوگیری بعمل می‌آمده است. ساعتی بعد غذای از پرسنل ژاندارمری و شهربانی (غیرصلح) به‌محل منتقل می‌شوند و جمعیت را از جلوی نیلات عقب می‌نشانند.

رئیس ژاندارمری از پاسداران خارج از نیلات تقاضای می‌کند که تعدادی بی‌سیم از محوطه به‌نیلات از راه این بی‌سیم‌ها مستقر در محوطه باشند. پاسداران تا امکان همکاری با آنها را ندارند و بی‌سیم‌ها را به‌کار نمی‌گیرند. از همین انا ساختمان نیز حملات تیرباران به‌آتش کشیده شده بود و مقدار زیادی از پرورنده‌ها مدارک موجود در آن سوخت، پاره‌ها و پرورنده‌ها اختتام کما.

زنده، شکلی جدید پیدا کرد و شعارها تغییر کرده و «حکومت مرتجع» را به‌باد استنفاد گرفت. یعنی می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چگونه همان جمعیتی که در ابتدا عکسهای امام و آیت‌الله طالقانی را حمل می‌کردند و شعار لاله الا الله می‌دادند پس از چند ساعت شعار «کردستان پیروز است - پاسدار نابود است» و یا «اتحاد - تشکل - پیروزی» را تکرار می‌کردند

بهرحال، پس از تاریکی هوا، عده‌ای ابتدا چراغهای خارج محوطه نیلات را شکستند و خارج محوطه را تاریک کردند و در ادامه حملات خود را با مولوتف و سنگ بر روی پاسداران متمرکز نمودند - البته منظور ما قز اینجا این نیست که همه آنها که در حمله به نیلات شرکت داشتند، عناصری معلوم الحال بودند که همراه طرفداران «پسیوند» وقایع کردستان و انزلی گشته و به تخریب پرداختند بودند شاهدان عینی که وقتی با آنها صحبت می‌کردیم می‌گفتند «منی دانیم، شاید دیدن خون و کشته شدن مردم باعث شده بود که ما هم به نیلات و پاسداران حمله کنیم، اما چه می‌توانستیم بکنیم...»

بهرحال جریان روز دوشنبه تا ساعتی از شب ادامه داشت و حوالی ساعت ۱۲ که پاسداران از نیلات خارج گشته و با شلیک تیرهوایی جمعیت را از جلوی نیلات و شهربانی پراکنده کردند و سپس با یک ناوچه نیروی دریایی که ابتدا حاضر به‌بردن پاسداران نبود، به نیروی هوایی رفتند و سپس از آنجا به‌سفر سپاه انتقال یافتند و همان شب مسدوداری از مهمات موجود در مقر سپاه را به مکان دیگری انتقال دادند.

صبح روز سه‌شنبه، مردم گروه گروه به بیمارستان مصدق انزلی مراجعت کرده و خون خود را به‌مجرورین حاده اهدا می‌کردند. حوالی ساعت ۹ صبح عده‌ای از محصلین به‌جلوی مقر سپاه آمده و

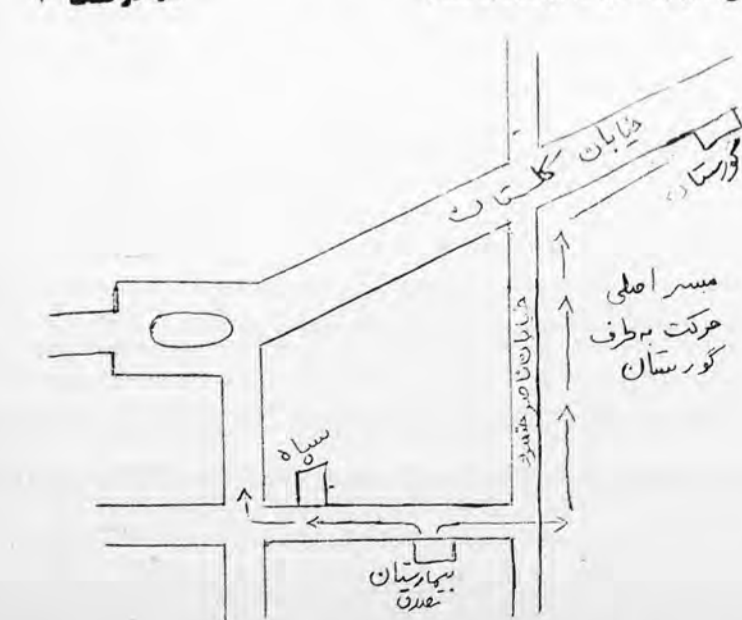
شروع به شعار دادن می‌کنند که در این موقع یکی از پاسداران بیرون آمده و پس از سخنرانی کوتاهی عده‌ای از آنان را متصرف می‌کند. از طرف دیگر جمعیت با تحویل گرفتن جاذبه‌های حوادث روز قبل شروع به راهپیمایی به‌سمت مقر سپاه پاسداران می‌پردازند.

بنا بگفته نماینده صیادان آزاد، شعارهای راهپیمایی از بیمارستان به‌سمت گورستان شهر که درست در جهت عکس مقر سپاه قرار دارد از پیش معین شده بود، این شعارها عبارت بودند از «ما همه صیاد توایم خمینی، گوش فرمان توایم خمینی» و «نیلات نابود باید گردد - دریا آزاد باید گردد» و... اما عده‌ای که در صف رخنه کرده بودند از ابتدا شعارهایی از قبیل «کردستان انزلی بسپودتان مبارک» و «ایران را سراسر کردستان می‌کنیم»، «حکومت از تجاع نساورد بساید گسرد - حکومت زحمتکش ایجاد باید گردد» به‌شدت به‌تحریک می‌پرداختند. حتی نماینده صیادان می‌گفت «به‌سرم گفتم که فکر کنید که این جنازه‌های صیادان، مثل نیاورده‌اند و تشییع را کمی به عقب بپنجاهم... ما وقتی که این شعارها را دیدیم، گریه کردیم و گفتیم که اگر می‌دانستیم اصلاً نمی‌آمدیم...» اما در این موقع صف به‌رکت درآمده بود و همه پسوی سفر پاسداران می‌رفتند، جمعیت با رسیدن به‌جلوی مقر پاسداران شروع به‌دادن شعار می‌کنند و عده‌ای با سنگ به‌ساختمان حمله می‌کنند. در این صف که عناصری که قبلاً مغازه‌های مشروب فروشی آنان، یا ده‌های قمارشان بوسیله پاسداران بسته شده بود و قاچاق فروش‌ها و عناصر چپ‌نما هم رخنه کرده بودند و حتی او با شلیک شده شهر به‌فحاشی علیه پاسداران پرداخته بودند و مسردم را تحریک می‌کردند.

در این درگیریها از کوسکل مولوتف و دیگر وسائل آتش‌زا علیه پاسداران استفاده می‌شد و پاسداران مجبور به تخلیه ابزار اسلحه و استقلال مهمات به‌سلف‌سرویس شدند. البته قبلاً چند عدد ۳ و یک تیربار بوسیله عده‌ای به‌خارج برده شده بود. حوالی ظهر فرمانده نیروی دریایی به‌سفر سپاه مراجعه می‌کند و به پاسداران می‌گوید که آیا حاضرند در دادگاههای خلقی مسحا که شوند و اسلحه‌هاشان را تحویل دهند - که پاسداران در جواب می‌گویند ما حاضریم که اگر گناهی کرده‌ایم در دادگاههای صالحه مسحا که شویم اما اسلحه را تحویل نمی‌دهیم و حاضریم که با شما از مقر سپاه خارج شویم و به نیروی دریایی بپیاییم. سپس فرمانده نیروی دریایی به‌میان جمعیت رفته و می‌گوید که پاسداران حاضرند مسحا که گشته بسا خود او به نیروی دریایی بروند. اما عده‌ای می‌گفتند «ما پاسدارها را می‌خواهیم، ما با اینا کار داریم...»

بهرحال فرمانده نیروی دریایی اوضاع را به‌همین ترتیب رها کرده و از محل مسرود، بسا سوختن قسمتی از مقر سپاه، عده‌ای از پاسداران از محل سپاه خارج شده و با شلیک تیرهوایی به‌طرف شهربانی می‌گریزند. که در بین راه و درگیریهای که پیش می‌آید، چندین نفر مجروح می‌شوند. بسا پناهنده شدن عده‌ای از پاسداران در شهربانی، آنجا مورد حمله قرار می‌گیرد و دو تن از پاسداران به‌اسامی برجی و سناک در همانجا در اثر اصابت گلوله کشته می‌شوند - از ساختمانهای اطراف شهربانی به‌طرف شهربانی تیراندازی می‌شود و

### موقعی در صحنه ۴





# بهار خلق اریتره پیروز

انقلاب اریتره توسط حکومت جدید رسمیت شناخته شده و مورد تأیید قرار خواهد گرفت. انقلابیون اریتره به اسنحه رسیده‌اند که ادامه حیات یک دولت در انبوهی و استیجاب نام به اراده خلق اریتره برای دست آوردن استقلال از طریق یک راه حل عادلانه دارند. با این وجود، دسترسی نمی‌گردد که برده از جهل و اطمینان برهنه‌ها و رژیم آنان در انبوهی کسار می‌رود و ماهیت اصلی آنان را به عنوان شمال امریکایی آمریکا و در خدمت منابع بورژوازی کسار دور (دلال) او خرده بورژوازی محلی شناخته می‌شود. حکومت جدید کوشش می‌کند چهره حقیقی خود را در زیر شعار «ما خواهان جامعه سوسیالیستی هستیم» بپوشاند. اما کاملاً روشن است که شعار آنها به هیچ وجه اشتراکی با عملکرد آنها ندارد. برای اثبات این ادعا می‌توان به حوادث خوسار شکر و اوزا اشاره کرد که چگونه ملی‌گرایان بلور و حشمانی مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند و تاکنون به مقاومت مسلحانه شدید. شعار سوسیالیستی «قتل از جبر انبوهی گویای ماهیت دولت انبوهی می‌باشد. صنایع و معادن دولت در مورد اصلاحات ارضی، جبری بحر یکبوم و حلال شود. آیا می‌توان از اصلاحات ارضی صحبت کرد. در زمانی که ملت‌ها مورد ستم قرار گرفته و زمین‌هاشان را غصب کرده و با آنان را از زمین‌هاشان رانده‌اند؟



ملی کردن صنایع نوع دیگری از فریب و سرنگ حکومت دست‌نشانده انبوهی می‌باشد. زیرا که صنایع امپریالیسم نازیک آمریکا همچنان دست‌خورده باقی مانده، تنها منابع مردم اریتره و چند ناخبر خارجی را ملی اعلام کردند. رژیم دیکتاتوری که خود را «دولت دموکراتیک فوریه ۱۹۷۴» معرفی می‌کند، همچنان به دستگیری و فریبان و شکنجه انقلابیون آزادی‌خواه انبوهی ادامه داده. دانشگاهها و موسسات بزرگ آموزشی را در اسمره می‌بندد و با استفاده از سلاحهای نظامی حولی از طرف آمریکا و ایران (رژیم سابق) - هواپیماهای جنگی، ماکتو، دست به تشدید جنگ استعماری علیه خلق

در جریان حکمهای شدید اسمره از قدرت رسیدن سرنگها در انبوهی - انقلاب اریتره بواسطه اختلافات داخلی خود پایان داده. دو جناح اصلی انقلاب اریتره یعنی جنبه آزادی‌بخش ( ) و جنبه آزادی‌بخش خلق ( ) توانستند عملیات خود را بر علیه دشمن هم‌آهنگ گردانند. با اسکار هم‌آهنگی عملیات دو جنبه انقلابی، آرزوی رسیدن به وحدت ملی فراهم گردید. با مساعد شدن زمینه سیاسی سواخام تشکیل جنبه واحد ارتش آزادی‌بخش با رهبری سیاسی واحد عملی گردید، جنگجویان آزادی‌خواه و بوده‌های اریتره هر یک نقش مهمی در پیروزی این مرحله (وحدت ملی) ایفا کردند. با این نیاز و تمایل به وحدت بود که دومین کنگره ملی را در ماه مه ۱۹۷۵ تشکیل داد. استعداد و ذوق ملی و دموکراتیک بخش از پیش تقویت گردید. قطعنامه‌هایی که به منظور وحدت ملی مورد قبول قرار گرفته بود یکی رهبری دموکراتیک جدید و دیگری تهیه و تدوین برنامه استراتژیک جدید بود. قطعنامه‌های دومین کنگره ملی باید و اساس یک گفتگو

بخت دموکراتیک را برای رسیدن به سنگ و جدت کامل نیروهای آزادی‌خواه آماده کرد. بطوریکه نتایج خوبی از آن به دست آمد. دو جنبه اصلی آزادی‌بخش ( ) و ( ) بعد از تشکیل به اخلاص بی در پی به توافق رسیدند که این کنگره‌ها برای رسیدن به یک وحدت همه‌جانبه ادامه می‌دهند.

طرح و اجرا برنامه وحدت عامل مهمی در دست‌آوردن پیروزی بزرگ دیگری برای احزاب اریتره و نیروهای مردمی بود.

مناطق آزاد شده

با اینکه سواخام که تشکیل دهنده سواخام انقلاب، یعنی ارتش آزادی‌بخش، سازمانهای بومی و سواخام دموکراتیک بود خلق امکان حرکت در مدارک و مهیا کردن سیاست انقلاب را دست آورد. واحدهای تعیین کننده بود. آنهاست که در سطح دهکده‌ها عمل می‌کنند و با اداره و هم‌آهنگ کننده مناطق آزاد شده می‌باشند که سواخام کمیته‌های دهگانه در عین مستقیم و دائم با رهبری سیاسی و نظامی جنبه قرار دارند. آنها (واحدهای رزمی) تشکیل دهنده هسته‌های وحدت دهگانه اریتره بوده و از حرکت کنندگان در کنگره می‌باشند. اتحادیه‌های عمومی کارگران اریتره از اساس خود در سال ۱۹۷۲ تاکنون نقش تاریخی مهمی را در انقلاب ایفا کرده‌اند. این اتحادیه‌ها بواسطه حضور مخفی و زیرزمینی کارگران را در سرها و دهانانی که در مزارع سرمایه‌داران متعول نگار هستند، متشکل و در رابطه با انقلاب قرار دهند. آیا می‌توان از نقش‌هایی که علی‌هستی در انقلاب ایفا کرد، و در جریان حمله هوایی هنگام برگزاری کنگره ملی دوم به شهادت رسید، نامی سرد؟ وی کسی بود که یابدگذار و سازمان‌دهنده وحدت فعلی بود. اتحادیه‌های عمومی ریان، با آگاهی انقلابی

خود صفوف انقلاب را عبور و گسترش دادند. از بدو وجود آمدن این اتحادیه‌ها از ۱۹۷۳ تا کار مداوم خود موفق شدند - جنبه عمومی مربوط به ریان اریتره را بالا بردند و نقش انقلابی ریان را در مشخص گردانند. اتحادیه عمومی دانشجویان که نقش و سهم آنان در مسائل سیاسی و نظامی ناخبر بوده‌است در جریان انقلاب فعال‌تر از ۱۹۶۹ شده و در تمام امور مسئولیت‌های عمده‌ای را عهده گرفت. برای تکمیل کردن اقدامات خود، کنگره ملی (دوم) تصمیم به ایجاد سازمانی، نام سازمان جوانان اریتره می‌گردد. سازمانهای بومی و ارتش آزادی‌بخش موفق به آزاد کردن یکسری از دهکده‌های اشغال شده اریتره می‌شوند و با اساس سازمان دموکراتیک جدید، سواخام‌های جدید تولید و خدمات اجتماعی جدید بوجود می‌آید.

دشمن با تکرار بردن آخرین امکانات تحلیل رفته خود و هم‌جسین حملات و حشیانه‌های و کسار مداوم خلق سپهران اریتره، طابع از پیروزی آنان در مزاره‌ها نشان علیه رژیم فاشیستی انبوهی نخواهد شد. چه پیروزی نهایی و غنیمت بخشیدن به استقلال ملی از آن اریتره می‌باشد.

تذکر: لازم به یادآوری است که این مقاله قبل از کودتای هیلا-م-م رئیس-جمهور فعلی انبوهی نوشته شده و نامی از حوادث بعد از آن کودتا برده نشده فقط لازم می‌دانیم متذکر شویم که رژیم استعماری روسیه شوروی در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی برخوردار بوده و همچنان کمافی السابق به سرکوت و کشتار خلق مازر اریتره و نیروهای مترقی انبوهی ادامه می‌دهد.

ترجمه از مجله فلسطینی فرانسوی زبان خلق اریتره پیروز است

ریشه‌کن کرده با «الاه» خود حیرت‌فقط و تمام ارزشها و حریمهای ناشی از آنرا در همه رابطه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی امت ما جایگزین سازد چرا که تنها اوست که «قدرت» مطلق است و اوست که منشاء همه قدرتهاست و اگر اوست مطلق قدرت و مبداء آن، دیگر «اساساً قدرت» نیست هر چه از اوست همه «فقط» است.

لا حول ولا قوة الا بالله

«لا» و «الا» ی انقلاب

با این ترتیب جنبش انقلابی ما بایستی برای تحقق هدفهای خود با «لا» و «الا» ی اسلام در سه قلمر و زیر حرکت کند:

الف - تحقق «لا» و «الا» ی اسلام در کلیه روابط سیاسی یا نابودی حاکمیت و حکومت انسان بر انسان و جایگزینی حاکمیت «الله» بر انسان و حکومت نیابتی امت بر مردم.

ب - تحقق «لا» و «الا» ی اسلام در کلیه روابط اقتصادی با ریشه‌کن کردن استثمار انسان از انسان و انسانیت و جایگزینی بهره‌برداری مشروع و مشروعیت انسان از «کار» و کوشش خود.

ج - تحقق «لا» و «الا» ی اسلام در کلیه روابط عقیدتی - فرهنگی یا نابودی تحمل ارزشها و باورهای غیر خدایی بر انسان و جایگزینی ارزشهای «الله» و عقیده توحیدی. (تحقیق این سه «لا» و «الا» تنها از طریق سیستم شورایی ممکن است که در فرصتی دیگر به آن پرداخته خواهد شد).

حال سؤال اینست آیا میتوان خط فاصل زمانی معینی بین «لا» و «الا» ی انقلاب کشید؟ آیا میتوان ارزش طاعتی خاصی را در رابطه‌ای بدون جایگزین کردن ارزش الهی خاصی در همان رابطه، ریشه‌کن نمود؟ آیا میتوان انقلاب را تنها در بعد «سیاسی» آن و آنها با «حذف» شده تصور کرد؟ آیا میتوان انقلاب را

انقلاب از دیدگاه علی (ع)

علی (ع) در این خطبه تاریخی انقلاب را زیر و رو شدنی میدانند در همه ارزشها و همه رابطه‌ها بگونه‌ای که ارزشها و انسانهای بست انگاشته شده رژیم طاغوتی، ارزشها و انسانهای بالای نظام توحیدی نوین خواهند بود و ارزشها و انسانهای برتر رژیم طاغوت بسجای ارزشها و انسانهای بست و فرومایه نظام جدید خواهند نشست و این، تنها تنها مرز انقلاب - و ضد انقلاب - در نظر علی و در هر دو راستین آن معلم به حق انقلاب است.

آری از علی (ع) آموخته‌ایم که اگر «نظام ارضی» طاغوتی در نظام اسلام ریشه‌کن نشود و اگر تمام پایگاه‌های این ارزشها در هم کوبیده نشود انقلابی رخ نداده است. از او آموخته‌ایم که اگر دیگر جامعه در تمامیت و کلیت آن، به جوش دگرگونی زیر و روی نیاید و اگر این دگرگونی جوش استعجاب، ساکن را

منحرک، نابخته را بخته و نابختی را نابود نکرده باشد انقلابی صورت نگرفته است. از او آموخته‌ایم که اگر تمام مردم جامعه از غریب‌الآرامش مبارزه و جهاد نگردند تا از این گذرگاه، ریزهای زیرین رژیم طاغوتی در بنتهای زیرین نظام اسلامی گردند انقلابی بی‌وقوع نبوده است. از قرآن و معسر آن علی آموخته‌ایم که اگر مستضعفین رژیم طاغوتی که قهرست و فروتر آن رژیم بوده‌اند در رژیم اسلامی قهر برتر و قهرتر آن، بلکه بالاتر، همه مردم و وراثتین آن نباشند - مستضعفینی که به ضعف کسانده شده‌اند اما به ضعف تسلیم نگشته‌اند، مستضعفینی که انقلاب را نه در پشت سیر حشانت «سقیفه» ها بلکه در متن جهل و جور حاکم جاهلیت طاغوتی و خون و باروت به گلوله‌های دشمن تجربه کرده‌اند، مستضعفینی که نه میراث‌خوار انقلاب که حماسه‌آفرین آغازگر انقلاب بوده‌اند انقلابی رخ نداده است و دعوی انقلاب و انقلابی بودن جز فریب و تیرنگ و جز عوام فریبی و «مردم‌داری» چیز دیگری نمیتواند بود.

## «انقلاب فرهنگی» یاد دژ استوار انقلاب

اینک که انقلاب در نهایت امر زیر و رو شدنی است بر «نظام ارضی» یک جامعه، در این صورت پرواضح است که تحقق و تداوم و استمرار و پاسداری آن تنها بدست گروه یا دسته یا شوایا دولت و حتی سپاهیان عملی گردد چه همانطوریکه اشاره شد تنها «نظام ارضی» جامعه است که هر فرد از افراد جامعه را پاسدار انقلاب میسازد و تنها گذر از روز افزون ایدئولوژی انقلاب به پنهان‌ترین زوایا و لایه‌های جامعه است که میتواند تک تک مردم را در مسیر تحقق و تداوم و پاسداری از انقلاب بسیج و «قوام» سازد: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالفسط»

در هر انقلابی نخست سیستم ارزشی در میان کادر رهبری شکل میگیرد و بسیج مردمی این کار است که میتواند نظام سیاسی رژیم «ملا» و «متر» را در هم ببرد از این رو مدامی که آن سیستم ارزشی نوین از چهار رجوب کادر رهبری به صحنه جامعه نفوذ نکرده و مهمتر از آن در روح تک تک مردم منتشر نگشته است و بویژه مدامی که این ارزشها بر اساس «جهاد اکبر» مستتر خلق در ناخواه آنها به شکل «ملکه» لانه نکرده و جز به شخصیت ناآگاه آنها قرار نگرفته است هرگز نمیتوان به تحقق و تداوم انقلاب اطمینان داشت و همین است که همواره شرط تحقق هدفهای اجتماعی - اقتصادی - سیاسی انقلاب، تحقق هدفهای ارزشی - فرهنگی انقلاب است. به بیانی دیگر اینجاست که شرط تحقق هر انقلاب اجتماعی تحقق «انقلاب فرهنگی» است. چرا که کدام نیروی گسترده‌تر و کدام نیرویی بی‌گانه‌تر از نیروی مردم است که بتواند نفوذ ارزشهای جدید انقلاب را در تمام بساطت و ساخت کلیه لایه‌های روابط اجتماعی نفوذ داده و آنها را خواستگار، هر گونه حرکتی نماید؟ مگر نه اینست که انقلاب هنگامی واقعیت عینی پیدا می‌کند که در تمام زوایای جامعه، همچون «مجموعه» واحدی، دگرگونی بایسته رخ داده و جلوه آنرا در هر بود و نمودی از اندام جامعه به روشنی کامل احساس کنیم و مگر نه اینست که این خود مردمند که در تمام زوایا و در هر بود و نمودی از جامعه دست‌اندر کاران شکل دادن کلیت جامعه خویشند؟ و بر این اساس مگر نه اینست که تداوم انقلاب و پاسداری از آن نیز تنها به توسط همین نیروی مسلط میتواند جامعه عمل برونند؟ بی تردید پاسخ مثبت است چه اگر مردمی ندانند در سرتو انقلاب چه چیزی را بدست آورده یا باید بدست آورند یا کدام را از دست داده و یا باید ریشه‌کن سازند چگونه میتواند «هدفها» و «ارزشها» ی ناشناخته را پاس بدارند؟ اینجاست که نقش بسختی‌های جسون رادیسو، تسلو یوزو، سینما، مدارس، مساجد، جمعیتها، احزاب و انجمنها و هر گونه مرکزی که بتواند ارزشهای طاغوتی را بمباران کرده و ارزشهای توحیدی نوین را جایگزین سازد بویژه اینکه «مصرف» بر «مصرف استغرافی» را که بنیاد سیستم ارزشی طاغوتی است و هدف زندگی آن نظام و پایگاه استکیار شیطان است، از بنیاد خود ریشه‌کن کرده تکامل انسانی به حرکت «الی الله» و «فی الله» را جایگزین آن سازد روشن و روشنتر میشود و اینجاست که هر گونه کوتاهی یا سوء استفاده از این وسایل و رسانه‌ها خیانت آشکاری است نسبت به انقلاب خونبار خلق مسلمان ما.

محمد حسن شهیدی

# انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

دنباله از شماره قبل

و چه درست و زیست است که اگر لحظه‌ای از «استقرار فقط» غفلت نمود ارزشها و روابط و نهادها و موسسات سیستم اجتماعی، رو به نظام «زورمداری» کشانده خواهد شد و هم از این روست که نه بر یک دستگاهی بنام شورای انقلاب و نه بر دستگاهی بنام دولت و نه بر مجموعه‌ای بنام قانون اساسی و نه بر گروهی بنام شورای نگهبان قانون اساسی بلکه بر همه «مومنین» است که پاسدار نه یکباره که «شبان‌روری» یا لحظه به لحظه نظام تکاملی فقط باشند.

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالفسط شهدها لله. «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهدها بالفسط»

لا اله الا الله = برنامه انقلاب اسلامی همانطوریکه آیه اشاره میکند «کتاب» - قرآن -

# توطئه امپریالیسم و صهیونیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

پایان

